

امانوئل ژوزف

امانوئل ژوزف سی‌پس، متولد ۱۷۴۸ در فرژوس، پس از تبدیل شدن به کشیش، در بحث‌ها و گردهمایی‌های ادبی و سیاسی

شرکت می‌کند. او کتاب "سوم‌حال چیست؟" را منتشر می‌کند که به پایه‌ای برای ایده‌های انقلاب تبدیل می‌شود. او همچنین بنیانگذار ایجاد بیمارستان‌های فرانسه است. به عنوان نماینده، پیشنهاد می‌کند که مجلس طبقات عمومی به مجمع ملی تغییر یابد. او در تدوین قانون اساسی کمک می‌کند و می‌گوید: «آن‌ها می‌خواهند آزاد باشند اما نمی‌دانند چگونه عادل باشند». او در کودتای ۱۸ برومر با بناپارت شرکت می‌کند، به کنسول تبدیل می‌شود، از فرانسه می‌رود و باز می‌گردد و در ۲۰ ژوئن ۱۸۳۶ درگذشت.

سی یس

آبہ گرگوار

هانری ژان-بپتیست گِرگوار، معروف به آبه گِرگوار، در سال ۱۷۵۰ در وِهو (لورن) به دنیا آمد. او از همان ابتدا برای مبارزه با فقر، خواستار آموزش فقرا بود. او می‌گوید: «اولویت اول ملت، آموزش عمومی است». او که یک کشیش کاتولیک و همچنین یک سیاستمدار بود، به طبقه سوم پیوست. او از حق رأی برای همه دفاع می‌کرد و خواستار لغو تمام امتیازات، برده‌داری و مجازات اعدام بود. او به قانون اساسی مدنی سوگند یاد کرد اما تا زمان مرگش در ۲۸ مه ۱۸۳۱ به ایمان مذهبی خود وفادار ماند. او بنیانگذار کنسرواتوار ملی هنرها و صنایع بود و در ایجاد مؤسسه فرانسه که عضو آن بود، مشارکت داشت.

آبہ گرگوار

کوندورسہ

ژان-آنتوان-نیکولا کاریتات، مارکی دو کوندورسه، در سال ۱۷۴۳ در رییمون (پیکاردی) به دنیا آمد. او به عنوان یک ریاضیدان با نوشتن مقاله‌ای درباره محاسبه انتگرال شناخته شد و به عضویت آکادمی علوم و سپس آکادمی فرانسه درآمد. او به عنوان یک سیاستمدار و انسان‌دوست، برای برابری حقوق مبارزه کرد و علیه برده‌داری و مجازات اعدام جنگید. او که یک جمهوری‌خواه بود، از یک مدرسه لائیک، عمومی و اجباری دفاع می‌کرد. او می‌گفت: «حتی تحت آزادترین قانون هیچ مردی حق ندارد بر دیگری تسلط داشته باشد». زندان نوشتن اثر اصلی خود، "طرحی از یک جدول تاریخی از پیشرفت‌های ذهن انسان"، را آغاز کرد و قبل از خودکشی در ۲۹ مارس ۱۷۹۴ آن را به پایان رساند.

کوندورسه

رو بسپیر

ماکسیمیلیان دو روبسپیر، متولد ۱۷۵۸ در آراس (نورد-پا-دو-کاله)، وکیل و سیاستمدار، به عنوان نماینده طبقه سوم انتخاب شد. او یکی از اولین کسانی بود که خواستار لغو برده‌داری و مجازات اعدام، برقراری حق رأی عمومی و برابری حقوق شد. پس از دستگیری لویی شانزدهم، او به همراه سن-ژوست پیشنهاد اعدام بدون محاکمه را مطرح کرد. او در سال ۱۷۹۳ به رهبر واقعی کمیته نجات عمومی تبدیل شد و با فرمان خود اعلام کرد که «دولت تا زمان صلح انقلابی خواهد بود». او از خدایان برای کمک به انقلاب دعوت کرد و پرستش موجود برتر را ایجاد کرد. او که فسادناپذیر بود، ترور بزرگ را به اجرا گذاشت. کشور از او خسته شد و کنوانسیون علیه او شورید: او در ۲۸ ژوئیه ۱۷۹۴ گیوتین شد.

مارا

ژان-پل مارا، متولد ۱۷۴۳ در بودری (سوئیس)، پزشک و فیزیک‌دان، روزنامه "دوست مردم" را منتشر کرد، علیه برده‌داری جنگید و به اشراف حمله کرد. به دلیل خشونت ایده‌هایش، مانند کشتن سلطنت‌طلبان در زندان، او مسئول قتل‌عام‌های سپتامبر ۱۷۹۲ شناخته شد. او به عنوان نماینده منتخب مونتاگنارد‌ها، به اعدام لویی شانزدهم رأی داد، خواستار دیکتاتوری انقلابی شد و با ژیروندین‌ها جنگید. در ۱۳ ژوئیه ۱۷۹۳، مارا توسط شارلوت کورده، هوادار ژیروندین‌ها، ترور شد. او که چهره‌ای از سن-کولوت‌ها بود، می‌گفت: «برای به زنجیر کشیدن مردم، ابتدا باید آن‌ها را خواباند».

مارا

سن-ژوست

لوئی آنتوان لئون دو سن-ژوست، متولد ۱۷۶۷ در دِسیز (بورگونی)، وکیل و سیاستمدار، از روسو، مونتسکیو و ماکیاوِل الهام گرفت. او در سال ۱۷۹۲ به عنوان نماینده مونتاگنارد به کنوانسیون انتخاب شد و با هوش خود توجه‌ها را جلب کرد و گفت: «هیچ‌کس نمی‌تواند بی‌گناه حکومت کند» و «هر پادشاهی یک شورشی یا غاصب است». او خواستار یک جمهوری برابر و یک انقلاب اجتماعی بود. او به مارا، دانتون و دمولن پیوست. روبسیپر بت او شد و او تا آخرین لحظه از او پیروی کرد. کنوانسیون که از خشونت‌های ترور بزرگ خسته شده بود، او را در ۲۸ ژوئیه ۱۷۹۴ گیوتین کرد.

سن-ژوست

دانتون

ژرژ ژاک دانتون، متولد ۱۷۵۹ در آرسی-سور-اوب (شامپاین)، وکیل و سیاستمدار، به سرعت شناخته شد. این سخنور توانا، خوش‌گذران و پرخاشگر، رئیس کوردلیه‌ها، منطقه‌ای در پاریس که بسیاری از روزنامه‌نگاران و روشنفکران میهن‌پرست در آن زندگی می‌کردند، شد. او در مقابل اتریش که به فرانسه حمله کرده بود، فریاد زد: «جسارت، باز هم جسارت، همیشه جسارت!». اما پس از تیراندازی به جمهوری‌خواهان در شان-دو-مارس، او به انگلستان فرار کرد. او بازگشت و به عنوان وزیر دادگستری در سال ۱۷۹۲ وارد دولت شد. سپس به کمیته نجات عمومی پیوست، جایی که به سرعت با روبسیپر قطع رابطه کرد. او که به فساد متهم شده بود، توسط دادگاه انقلاب محکوم و در ۵ آوریل ۱۷۹۴ اعدام شد.

دانتون

دمولن

کامی دمولن، متولد ۱۷۶۰ در گیز، یکی از سخنوران اصلی انقلاب فرانسه بود. او با ایجاد روزنامه "انقلاب‌های فرانسه و برابانت"، به یکی از اولین روزنامه‌نگاران تبدیل شد. او ابتدا با روبسیپر (برای صلح) همراه شد، اما در سال ۱۷۹۲، زمانی که فرانسه با اتریش وارد جنگ شد، به طرفداری از دانتون پرداخت. پس از سقوط سلطنت، او به عنوان نماینده پاریس انتخاب شد و به عنوان وزیر دادگستری، منشی دانتون شد. او که با افراط‌های ترور مخالف بود و با جناح روبسیپرست‌ها مخالفت می‌کرد، در ۵ آوریل ۱۷۹۴ گیوتین شد. آخرین کلمه او "لوسیل"، نام همسرش بود.

دمولن

ژاک اِبر

ژاک-رنه اِبر، متولد ۱۷۵۷ در آلسون (نورماندی)، روزنامه‌نگار و سیاستمدار بود. او در سال ۱۷۹۰ روزنامه "پدر دوشن" را ایجاد کرد که به دلیل فحش‌هایش معروف بود. او که بسیار مورد علاقه کوردلیه‌ها و سن-کولوت‌ها بود، به مردم خطاب می‌کرد تا از سوء استفاده‌های قدرت انتقاد کند: «کالوتن‌ها، میهن‌پرستان دروغین، همه این بی‌عرضه‌ها را به تاریکی بفرستید». او به سقوط پادشاه و ژیروندن‌ها، که با آن‌ها می‌جنگید، کمک کرد. او یک برنامه اجتماعی دقیق پیشنهاد کرد و در جنبش ضد مسیحیت مشارکت داشت. روبسپیر که از انقلابیون افراطی می‌ترسید، او را در ۲۴ مارس ۱۷۹۴ گیوتین کرد. ژاک اِبر

المپ دو گوژ

المپ دو گوژ، متولد ۱۷۴۸ در مونتوبان، یک زن سیاستمدار و نویسنده فرانسوی بود. او که آزاده و شجاع بود، "اعلامیه حقوق زن و شهروند" را نوشت. او ایده ازدواج را رد کرد، از طلاق و لغو برده‌داری دفاع کرد. او به تربیون مجمع رفت و برای بیان ایده‌هایش جنگید. در سال ۱۷۹۳، او با روبسپیر، که ترور بزرگ را برپا کرده بود، مخالفت کرد زیرا او را متهم به تلاش برای ایجاد دیکتاتوری کرد. قبل از اینکه در ۳ نوامبر ۱۷۹۳ گیوتین شود، فریاد زد: «فرزندان میهن، مرگ من را به انتقام خواهید گرفت».

شارلوت کورده

ماری-آن-شارلوت دو کورده دآرمون، معروف به شارلوت کورده، در سال ۱۷۶۸ در سن-ساتورنن (نورماندی) به دنیا آمد. او که از نوادگان نویسنده کورنی بود، آثار مونتسکیو، ولتر و روسو را می‌خواند. او که مستقل بود، از ایده‌های روشنگری، اصول آزادی، برابری و برادری دفاع می‌کرد. او با مارا، نماینده مسئول قتل‌عام‌های بی‌گناهان، جنگید و در ۱۳ ژوئیه ۱۷۹۳ او را با خنجر کشت. او دستگیر شد و چهار روز بعد گیوتین شد. قبل از آن، او به یک دوست نوشت: «هرگز از آزادی». «عزیزم دست نخواهم کشید. هرگز شما [...] عنوان مادام را به من نخواهید داد».

بناپارت

بناپارت، متولد ۱۷۶۹ در آژاکسیو (کرس)، به عنوان یک ژنرال در ارتش انقلاب شناخته شد. او گفت: «ارتش، ملت است». کودتای ۱۸ برومر او (سال هشتم، ۹ نوامبر ۱۷۹۹) پایان انقلاب فرانسه و آغاز کنسول‌ها را نشان داد. در ۲ دسامبر ۱۸۰۴، او در کلیسای جامع نوتردام پاریس به عنوان ناپلئون اول تاج‌گذاری کرد. او که هم مورد ستایش و هم مورد نفرت بود، پروژه‌های بزرگی را آغاز کرد و دولت و جامعه را به شدت اصلاح کرد. او که یک استراتژیست نظامی بود، با سلطنت‌های اروپایی که با فرانسه انقلابی در جنگ بودند، جنگید: جنگ‌های ناپلئونی باعث مرگ بیش از یک میلیون غیرنظامی شد. شکست او در نبرد واترلو در سال ۱۸۱۵ به امپراتوری او پایان داد. او در تبعید در سنت هلن در ۵ مه ۱۸۲۱ درگذشت.

لافایت

مارکی دو لافایت، متولد ۱۷۵۷ در شاواگناک (اوورن)، سیاستمدار و نظامی، در ۱۸ سالگی برای جنگ در آمریکا رفت و به قهرمان جنگ استقلال ایالات متحده تبدیل شد. در طول انقلاب فرانسه، او خود را در طرف پادشاه و مردم قرار داد: «شورش سالم‌ترین وظیفه است». او یک طرح از اعلامیه حقوق بشر ارائه داد. او که فرمانده گارد ملی بود، دستور تخریب باستیل را در سال ۱۷۸۹ داد، اما همچنین مسئول تیراندازی شان-دو-مارس در سال ۱۷۹۱ علیه میهن‌پرستان شناخته شد. او که خائن به میهن اعلام شده بود، به اتریش فرار کرد. در سال ۱۸۳۰، او به فرانسه بازگشت، از سلطنت ژوئیه و لویی-فیلیپ حمایت کرد، اما سپس از آن فاصله گرفت. او در ۲۰ مه ۱۸۳۴ درگذشت.